



تیترهای امروز



صادرات نفت خام و فرآورده‌های پالایشی عربستان به کمتر از ۴ میلیون بشکه در روز رسید

نفت سعودی آب می‌رود

صفحه ۳

رئیس جمهور جنجالی آمریکا یک بار دیگر تملیش را برای سومین دوره ریاست جمهوری اعلام کرد

بازی تاج و تخت ترامپ

صفحه ۳

گزارش «وطن امروز» درباره تشدید تنش میان رژیم صهیونیستی و ترکیه

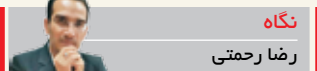
ویژه

کُداوالظهور

صفحه ۳

هزینهای که در میدان نبرد دیده نمی‌شود فرسایش اعتماد متحدان به قدرت آمریکا

سیلی به نظم آمریکایی



نگاه

رضا رحمتی

قدرت آمریکا هنوز پابرجاست؛ ناوهای هواپیمابرش در دریاهندند، زرادخانه هسته‌ای‌اش همچنان یکی از بزرگ‌ترین ذخایر قدرت نظامی جهان است و دلار کماکان ستون اصلی نظام مالی بین‌المللی محسوب می‌شود اما مسائلی عمیق‌تر از کاهش قدرت سخت آمریکا در حال رخ دادن است: کاهش ارزش وعده آمریکا، واشنگتن شاید هنوز بتواند به بسیاری از نقاط جهان حمله کند اما پرسش مهم‌تر این است: چند کشور دیگر حاضرند با اطمینان بر این وعده حساب کنند که آمریکا فردا نیز همان‌گونه که امروز وعده داده، از آنها حمایت خواهد کرد؟

این همان نقطه‌ای است که جنگ علیه ایران را از یک درگیری نظامی به یک آزمون بزرگ ژئوپلیتیک تبدیل کرده است. در ماه‌های گذشته، آمریکا نه فقط در برابر ایران، بلکه در برابر متحدان خود نیز از زبان تهدید، فشار و معامله استفاده کرده است. تهدید عمان در شرایطی که این کشور در معادلات ایران و آمریکا نقش میانجی دارد و هم‌زمان کاهش رزمایش‌های نظامی با کره جنوبی، صرفاً ۲ خبر جداگانه نیست؛ این ۲ اتفاق در کنار هم یک پیام راهبردی به جهان مخابره می‌کند: تهدیدات امنیتی آمریکا ممکن است از یک دارایی راهبردی به یک ابزار چانه‌زنی سیاسی تبدیل شده باشد. سی‌ان‌ان ۱۷ اگوست/۲۶ مرداد، دقیقاً همین ۲ تحول را کنار یکدیگر قرار داد؛ ترامپ عمان را تهدید کرد و در همان حال از کاهش رزمایش‌های مشترک با کره جنوبی دفاع کرد.

■ آمارهای ناظر بر فروپاشی اعتبار آمریکا

مساله زمانی جدی‌تری می‌شود که پای عدد میان آید. بر اساس داده‌های منتشرشده از سوی شورای امور خارجی شیکاگو، تنها ۴۷ درصد آمریکایی‌ها در سال ۲۰۲۴ انتظار دارند متحدان اروپایی در صورت حمله به آمریکا برای دفاع از آن وارد عمل شوند؛ این رقم یک سال قبل ۶۲ درصد بود. در اروپا سقوط اعتماد چشمگیرتر است: در سوئد، تعداد کسانی که آمریکا را «شریک قابل اعتماد» می‌دانند از ۸۳ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۳۱ درصد در بهار ۲۰۲۴ رسیده است. همچنین در آلمان این شاخص از ۸۳ به ۳۹ درصد، در فرانسه از ۶۲ به ۲۷ درصد و در بریتانیا از ۸۲ به ۴۹ درصد کاهش یافته است. این اعداد یک واقعیت مهم را آشکار می‌کند: بحران آمریکا فقط بحران محبوبیت نیست، بحران قابلیت اتکاست.

ادامه در صفحه ۴

چرا خونخواهی؟

برای بازسازی معادله بازدارندگی و تضمین امنیت ملی ایرانیان است.

در این خوانش، انتقام، نقشه راه عبور از ورطه جنگ است، نه دعوت به جنگ‌جویی، هدف خونخواهی، تحمیل هزینه‌ای چنان سنگین به دشمن است که در آینده هر بازگویی پیش از اقدام علیه امنیت و زیرساخت‌های ایران، به آن بیندیشد، به گونه‌ای که مسؤولان و نخبگان کشور، راهی متخاصم، حاضر به قبول ریسک درگیری مستقیم با ایران نباشند.

در تکمیل این گفتار سیاسی، مفهوم «واقع‌گرایی» نیز اهمیت می‌یابد. واقع‌گرایی ۲ گونه دارد. نوع نخست، واقع‌گرایی انفعالی است که صرفاً واقعیت موجود قدرت دشمن را می‌پذیرد. نوع دوم، واقع‌گرایی فعال و تهاجمی است که به جای پذیرش صرف واقعیت، در پی آفرینش واقعیتی تازه است؛ واقعیتی که در آن، سیاست انتقام، ایران را به کشوری «پرودرسر» برای متجاوزان بدل می‌کند. اگر این گفتار سیاسی برای انتقام، سویه‌های الهیاتی بگیرد و مفهوم قصاص در اسلام که هم حق است و هم حیات، در همین بستر سیاسی توضیح داده شود، آنگاه می‌توان گفتار قدسی و گفتار سیاسی را با یکدیگر ترکیب کرد و به گفتاری با حمایت عمومی گسترده‌تر دست یافت. صیانت از کیان اسلام در این ترکیب، اساسا امری سیاسی و ضامن امنیت ملی تلقی می‌شود. پس انتقام امر سیاسی و قدسی است که اگر در دستور کار قرار گیرد، می‌تواند به یک افق گشوده برای آینده ایران و ایرانی تبدیل شود.

■ **ملاحظات درباره تبیین خونخواهی به مثابه امر سیاسی و قدسی**
برای شکل دادن به یک گفتار ترکیبی موثر درباره خونخواهی، ۶ ملاحظه باید مورد توجه قرار گیرد تا

ابعاد پیچیده خونخواهی و چرایی لزوم آن برای افکار عمومی روشن شود.

اولین موردی که باید تبیین کرد، معنای خون مطهر امام شهید است. خون امام شهید، خون یک تمدن، خون یک مسیر پیشرفت، خون امنیتی تضمین شده و خون آگاهی تاریخی ایرانی بود. این معناسازی باید با واقعیت و درک عمومی جامعه هم‌هنگ باشد تا مردم در یابند چه چیزی را از دست داده‌اند و برای بازستاندن چه چیزی خونخواهی می‌کنند.

دومین مورد مهم، پرهیز از دوگانه‌های راهزن در خونخواهی است. خونخواهی را نباید در دوگانه جنگ و صلح یا دوگانه مذاکره و مبارزه محبوس کرد. خونخواهی انتخاب میان امنیت داشتن و امنیت نداشتن است، نه انتخاب میان جنگ و صلح. خونخواهی تلاشی است در جست‌وجوی پیشرفت.

مورد دیگر در خونخواهی این است که در تبیین این مهم، باید ماهیت جنگ سوم تحمیلی نیز تبیین شود. این جنگ، جنگی وجودی و حمله‌ای به هستی ایران بود، نه مناقشه شخصی خامنهای عزیز شهید یا ترامپ جنایتکار. این جنگ علیه امنیت ایران است، نه مداخله بشردوستانه. معنا و ماهیت جنگ اگر درست تبیین نشود، خونخواهی نیز با چالش مواجه می‌شود.

چهارمین مورد که دارای اهمیت است، تبیین جایگاه رهبر و رهبری است. باید برای مردم روشن شود حمله به رهبر، حمله به رئیس کشور و در عین حال حمله به نماینده خرد و آگاهی ایرانیان بود. این حمله، حمله‌ای به یک انباشت دانایی بود که فقدان آن، خسارتی بزرگ برای جامعه است.

مورد پنجم توجه به تصویر قاتل در افکار عمومی است. در گفتار خونخواهی، دشمن نباید صرفاً به عنوان

این خوانش تقلیل‌گرایانه دلایلی دارد که محل دقت این یادداشت نیست.

گفتار دوم: انتقام به مثابه امر قدسی

این گفتار، خونخواهی را تکلیفی الهی که مستند به روایات دینی است می‌داند. این گفتار در لایه مذهبی جامعه، به‌ویژه در میان بزرگ‌ترین و مصرترین بخش جامعه یعنی قشر باورمند به ارزش‌های اسلامی، از پذیرش بالایی برخوردار است. با این حال، مخالفان این صورت‌بندی است و هر یک از این گفتارها، مخاطب را به نحوی متفاوت با پدیده خونخواهی مواجه می‌کند. شناخت این گفتارها در فهم صحنه سیاست ایران در شرایط حاضر دارای اهمیت است. این یادداشت می‌کوشد ۴ گفتار موجود درباره انتقام را معرفی و گفتار برتر را تبیین کند و ملاحظات را که باید در تولید محتوای رسانه‌ای پیرامون خونخواهی مورد توجه قرار گیرد، برشمارد.

در فضای عمومی، دست‌کم ۴ گفتار متفاوت درباره معنای انتقام و خونخواهی امام شهید قابل شناسایی است که هر یک، تعریف متفاوتی از انتقام، پیامد گفتاری متفاوت و نقطه‌ضعف خاص خود را دارد.

نخستین گفتار: **انتقام به مثابه امر شخصی**
این گفتار تأکید می‌کند خون یک فرد بر گردن فرزندان یا پیروان او است. این گفتار هر چند ریشه در باوری عرفی دارد اما اثر جانبی خطرناکی نیز به همراه می‌آورد و آن اینکه خونخواه را حتی بی‌آنکه به‌صراحت گفته شود، متهم به کینه‌توزی می‌کند. این گفتار بیش از همه در میان اصلاح‌طلبان بیان می‌شود. برخی چهره‌های این جریان مانند فیاض زاهد، شهادت رهبر انقلاب در میانه جنگ ۲ کشور را به مناقشه حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای و ترامپ تقلیل می‌دهند.



یادداشت

جعفر حسن‌خانی